

تاکید جدی بر اقدامات مهم همیاری، منطبق با رعایت استانداردهای سلامتی!

سخنی با نهادهای همیاری مردمی

صفحه ۴

رحمان حسین زاده

دو داستان، دو انسان در یک شهر

سرمایه داری یعنی همین!

صفحه ۶

آذر ماجدی

پاندمیک و ویروس کرونا و دو راهی نظم نوین جهانی!

قسمت اول

صفحه ۷

جمال کمانگر

زندانیان را فراموش نکنیم!

صفحه ۱۰

سعید یگانه

الکل، مذهب، سرمایه

صفحه ۱۱

نادر شریفی

در باره تجربه برنی سَندرز

"سوسیالیسم" از راه انتخابات ممکن نیست!

صفحه ۱۳

سیاوش دانشور

نباید گذاشت

کسی گرسنه بماند!

دولت

را موظف کنیم!

۵۳۶

مستقلی، کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۸ فروردین ۱۳۹۹ - ۲۷ مارس ۲۰۲۰

حق سلامتی

سرمایه داری و کمونیسم

سخنگویان سرمایه داری حقوق و آزادی های فردی و مدنی را بعنوان یکی از مشخصات مهم این نظام مستمراً تبلیغ میکنند. واقعیت اما بسیار خاکستری و خیلی جاها وارونه است و با این ادعاها کمترین همخوانی ندارد. بجز کشورهای معدودی، و در آنها هم طبقه حاکم و بخش معدودی از شهروندان از نظر اقتصادی مرفه و نیمه مرفه، عملاً از این حقوق بطور وسیع برخوردار نیستند. بخش اعظم مردم جهان از این حقوق بطور مادی بی بهره اند. سهم اکثریت عظیم کره خاکی بیحقوقی، استبداد، فقر، جنگ، سرکوب و خشونت سازمان یافته دولتی است. مضافاً همان حقوق محدود در جوامع پیشرفته، اولاً در قیاس با امکانات موجود و نیازهای انسان امروز ناچیز است و ثانیاً خود همین حقوق که حاصل مبارزه نسلهای متمادی کارگران بوده است، با هر بحران و هر کاهش سود بورژوازی مورد تهاجم قرار میگیرد. حق سلامتی از جمله حقوقی است که در بحران کرونا فرمال بودن آن در این نظام برای میلیاردها نفر عیان شد. تجربه زندگی در دوره های بحران اقتصادی و در بحران کرونا نشان داده که دوام همین حقوق محقر تابعی از موقعیت اقتصادی طبقه سرمایه دار است و بطور پرنسیپال در قاموس بورژوازی چیزی بنام حقوق غیر قابل بحث وجود ندارد.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حق سلامتی

سرمایہ داری و کمونیسٹ ...

بحران کرونا تنها جهان را در وحشت عالمگیر مرگ فرو نبرده است. این بحران تنها ما را با صدها عزیزی که هر روز در مقابل چشمانمان پرپر میشوند مشایعت نکرده است. بحران کرونا تنها ناامنی و سست بودن پایه های "امنیت" فردی و اجتماعی و روانی را عیان نکرده است. بحران کرونا در عین حال نشان داد که سرمایه داری با بدیهی ترین اولویت ها و حقوق پایه فردی و اجتماعی از جمله حق سلامتی در تناقضی مهلک است. نشان داد در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری میتواند عقربه ساعت تاریخ به عقب برگردد. اینبار دیگر نه امنیت شغلی بلکه نفس حیات انسانها میتواند زیر سوال برود و حتی توجیه پذیر شود. اینها و مسائلی از این دست کارنامه سرمایه داری برای بشریت تحت انقیاد سیاسی و اقتصادی این نظام است. بشریتی که تماماً توسط سرمایه به گروگان گرفته شده است.

آزادی چه بعنوان یک کلیت و چه بعنوان حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی، تنها در جامعه ای میتواند متحقق شود که خود آزاد باشد. آزادی و حقوق اگر قرار است فرمال نباشد و هیچ دولت و حزب و قدرتی با هر نام و با هر رنگ پرچی نتواند آنرا بعنوان حقوق پایه ای و جهانشمول انسانها زیر سوال ببرد، باید اساس بردگی و تبعیض و نابرابری را برانداخت. این تنها با انقلاب کمونیستی کارگری ممکن است. انقلابی که با نفی جامعه طبقاتی و تضادها و تناقضاتش، میتواند وسیع ترین و گسترده ترین آزادیها و امکانات ابراز وجود را برای همه افراد تضمین کند.

بورژوازی و بحران کرونا

پلاتفرم دولتها و سیاستمداران بورژوا در قبال بحران کرونا، با درجه ای تفاوت و اختلاف، کمابیش وعده "مرگ دیرتر" است. دلیل هم ساده است؛ امکانات موجود با میزان بیماران انطباق ندارد. چقدر باید عجیب باشد که در قرن بیست و یکم امکانات بیمارستانی، بهداشتی، پرسنلی، فنی و علمی مقابله با یک پاندمی وجود نداشته باشد و با عبارت دقیقتر در دسترس نباشد؟ اگر در عصر حجر و دوره ماقبل رنسانس و سلطه کلیسا و امپراطوریهای عهد باستان بودیم، این قابل هضم بود. اما در دنیایی که چندین انقلاب صنعتی را از سر گذرانده است، در جهانی که محاسبه نیازهای عمومی و اورژانسی با توجه به تجارب مهم از این دست بسیار سهل الوصول و ممکن است، در دنیایی که غرق ثروت است و توان تکنولوژیک و بارآوری کار ابعاد غول آسا یافته است، چرا باید نتوان در کوتاهترین زمان ممکن، تحت قوانین ویژه دوره بحران، نجات زندگی انسانها را در اولویت گذاشت و بر پاندمی کروید ۱۹ با کمترین تلفات فائق آمد؟

پاسخ بسیار ساده است: تامین نیازهای بهداشتی و درمانی و اعلام شرایط ویژه و تامین ملزومات آن برای بورژوازی هزینه دارد. هزینه

ای که اگر هم بفوریت اختصاص داده شود، صرفاً از بخشی از ارزش اضافه و ثروت اجتماعی تولید شده توسط طبقه کارگر جهانی هزینه میشود و موقتاً و به همان میزان از متوسط سود عمومی و انباشت سرمایه و میزان ثروتهای سرمایه داران کاهش مییابد. پاسخ بورژوازی اینست که هزینه نمیکند، اینجا و آنجا

چهار قانون و کمک هزینه و تخفیف موقت در قوانین قبلی داده اند اما سیاست شان اینست که تلفات را در مدت زمان بیشتری داشته باشیم و ابتلا به ویروس را با امکانات موجود انطباق دهیم. در این سیاست باید پیرها و بازنشسته ها و بیکاران و فقرا و خیل وسیع کسانی که در حاشیه اقتصاد زندگی میکنند، بدرجات مختلف پاکسازی شوند. بله، دقیقاً "پاکسازی" شوند! این سیاست "انتخاب اصلح" از منظر استراتژی سرمایه در ایندوره است.

بنابراین بار دیگر اثبات میشود که ما از حقوقی که فکر میکردیم برخورداریم، برخوردار نیستیم. بیکاری وسیع ناشی از پیامدهای اقتصادی کرونا اولین نتایج آن برای طبقه کارگر است. بخش شاغل باید در متن مرگ و میر بیشتر کار کند تا اقتصاد بچرخد. در ایتالیای وحشت زده و قرنطینه که هر روز چند صد نفر جان می‌بازند، کارگران بناچار به اعتصاب سراسری فراخوان داده اند. آنها به ادامه کار تحت این اوضاع معترضند و میگویند: "جان ما بر سود شما ارجحیت دارد!" این وضع کمابیش در همه کشورهای پیشرفته سرمایه داری وجود دارد. در کنار این بسیاری مبتلایان را در بیمارستان بستری نمیکند و یا میزان علائم آنها را "جدی" نمیدانند. اینها کسانی اند که عمری مالیات داده اند، مالیات میدهند، کار میکنند، اما درست در بحرانی که جانشان را تهدید میکند به حال خود رها شده اند. همزمان اگر فلان شازده یا پرنس و پرنسسا و بچه حاجی و توله آخوند عطسه کند، تیم ویژه حفاظت پزشکی وارد عمل میشود و اقدامات فوری و سطح بالا در دستور قرار میگیرد. از استثناها که بگذریم، اگر پولدار هستی زنده میمانی، اگر محروم هستی مرگ در خانه ات را میزند. تازه به همین هم رضایت نمیدهند، دکتر را مسئول تشخیص "کی بماند و کی بمیرد" کرده اند. توجیه هم دارند، "این مشکل عملی است، دستگاه اکسیژن و اتاق ای سی یو و غیره محدود است، باید انتخاب کرد، راه دیگری وجود ندارد!" سرمایه اینگونه وجدان و علم و تعهد و همه چیز را در خدمت خویش درمیآورد و به ابزار پیشبرد مطامع و اهداف اقتصادی خود تبدیل میکند.

اگر بدست ما بود!

آیا راه حل دیگری وجود ندارد؟ چرا وجود دارد. اگر یک دولت انقلابی کارگری برسر کار بود، اگر بجای این مفتخوران و بورژوازی انگل، شوراهای شهروندان آزاد مقدرات سیاسی و اقتصادی جامعه را با تصمیم جمعی شان تعیین میکردند، اگر بدست ما بود، مسئله از اساس فرق میکرد.

حق سلامتی برای سرمایه تابعی از سود و موقعیت اقتصادی این طبقه است، برای سوسیالیسم و طبقه کارگر یک حق غیر قابل بحث و بی چون و چرا است. حق بهداشت و آموزش و سلامت برای

حق سلامتی

سرمایہ داری و کمونیسٹ ...

سرمایہ به یک امتیاز طبقات دارا و کالا بدل شده است، برای سوسیالیسم از حقوق پایه ای همگانی است. سرمایه داری از دریچه سود به جهان و هستی و انسان و جامعه و طبیعت مینگرد، سوسیالیسم و کمونیسٹ از دریچه انسان و قرار دادن انسان در محور مناسبات اجتماعی. در سرمایه داری پیشرفت یعنی سود بیشتر و تسخیر بازارهای بیشتر و گسترش رقابت و حذف هرآنچه که سد راه سرمایه است، در سوسیالیسم شاخص پیشرفت تعالی مادی و معنوی زندگی انسانها، بالا رفتن طول عمر آنها و تامین هرچه گسترده تر خوشبختی و ایجاد شرایط مادی شکوفائی خلاقیتهای فردی و جمعی آنان محور حرکت جامعه است. ما داریم راجع به دو سیستم، دو نظام، دو هدف تماماً متمایز حرف میزنیم.

اگر بدست ما کارگران بود؛ در مواجهه با بحرانهائی از نوع کرونا اولاً پیشاپیش آمادگی و پتانسیل مقابله جامعه و ساختار درمان و بهداشت را بشدت بالا میبریم. بدون درنگ اقدامات پیشگیرانه و قرنطینه را برای مقابله با تسری در بهترین و علمی ترین و ساده ترین شکل ممکن جاری می کردیم. کلیه امکانات مادی، معنوی، فردی و اجتماعی، فنی و تکنولوژیکی جامعه را برای مواجهه با یک درد مشترک بسیج می کردیم. اگر بدست کارگران بود، حق سلامتی را از کلاف هزارتوی موقعیت اقتصادی و بازار بیرون می کشیدند و برخورداری از کلیه

امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها و استفاده از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه را حق همگان و قانون جامعه اعلام میکردند. اگر بدست ما بود کسی نمیتوانست پیران را دور بریزد، از "انتخاب اصلح" سخن بگوید و چنین سیاستها و اعمالی جنایت علیه بشریت محسوب میشدند. اگر بدست ما بود، طب و خدمات بهداشتی و پزشکی بطور رایگان در اختیار همگان بود، برای هر شهروند در هر گوشه جامعه از شهر و روستا قابل دسترس بود. کسی از بی دارویی و کمبود پزشک و بیمارستان تلف نمیشد. اگر بدست ما بود، هر نوع فعالیت اقتصادی که با سلامت محیط زیست و به این اعتبار با محیط زندگی انسان در تناقض قرار می گرفت، ممنوع می شد. اگر بدست ما بود، بیماریهای اپیدمیک و عفونی ناشی از تخریب محیط زیست ریشه کن می شد و جهت عمومی جامعه ایجاد هارمونی بین انسان و طبیعت بود. اگر بدست ما بود، بطور اجباری همه شهروندان بطور منظم معاینه می شدند، با مخاطراتی که سلامتی شان را تهدید میکند مقابله می شد، سلامتی جسمی و روانی جامعه و پیشرفت مرتب در این زمینه یک شاخص تعیین کننده از آزادی و اختیار انسان قلمداد میشد. اگر بدست ما بود، برای بیماریهای قابل پیشگیری و تشخیص به موقع در درمان و تخفیف عوارض آنها اقدامات ویژه صورت می گرفت. اگر بدست ما بود، ارتقای مستمر دانش جامعه و اطلاعات پزشکی و گسترش و بهبود جدی سطح بهداشت عمومی را یک وظیفه تعطیل ناپذیر میکردیم. اگر بدست ما بود، همه جا دسترسی فوری به دارو و دکتور و بیمارستان را با گسترش و سازماندهی امکانات پزشکی و درمانی ساده و ممکن می کردیم. بحران کرونا برای هزارمین بار تاکید میکند که برای پایان دادن به این سببیت و جنایت سازمانیافته و قانونی بورژوازی، باید بدست ما باشد!

سردبیر.

۲۶ مارس ۲۰۲۰

دولت را موظف کنیم!

- **بیدرنگ شهرها و مناطق بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای درمانی، بهداشتی، معیشتی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!**
- **نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!**
- **بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!**
- **کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفٹی با کاهش ساعات کار تضمین شود!**
- **حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!**
- **هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!**
- **کودکان کار و خیابان، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!**
- **وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!**
- **لغو پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران!**
- **لغو پرداخت بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی!**

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست



تاکید جدی بر اقدامات مهم همیاری، منطبق با رعایت استانداردهای سلامتی!

سخنی با نهادهای همیاری مردمی

رحمان حسین زاده

برای تضمین سلامت جسمی همین تیم یا واحدها، و در جهت ادامه کاریشان وسایل اولیه و ضروری مثل ماسک بهداشتی و استاندارد و دستکش و مواد ضد عفونی و در صورت امکان لباس مناسب مقابله با ویروس کرونا را باید تامین کرد. این نهادها خود باید الگوی مناسب حفظ سلامت در جامعه را از خود نشان دهند.

۳- شبکه اجتماعی، نئی اطلاع رسانی و دسترسی به واحدهای همیاری را سازمان دهید! برای اطلاع رسانی و حتی کمک رسانی، ارتباط فیزیکی با مردم و میان مردم را باید به حداقل رساند. نهاد همیاری ایجاد شده را با اسم و رسم واقعی مورد اعتماد و آشنای مردم محله و شهر، از طریق تلفن و شبکه های اجتماعی و یادداشت و تراکت کوتاه و هر ابتکار دیگری به مردم معرفی کنید. شماره تلفن و کانالهای ارتباطی واحدهای همیاری را در اختیار خانواده ها و مردم محله و شهر باید گذاشت. تا بتوانند ارتباط بگیرند، مسائل و مشکلات و کمبودها و نیازهای خود را طرح کنند. متقابلاً واحدها از این طرق و ابتکارات دیگر اطلاع رسانی کنند، توصیه ها و رهنمودها و اقدامات لازم برای پیشگیری را با مردم در میان بگذارند. متوجه هستیم که از کانال رادیو و تلویزیون و دیگر امکانات مدیایی اطلاع رسانی میشود، اما کم نیستند خانواده های فقیر و بی بضاعتی که فاقد وسایل ارتباط جمعی حداقلی اند، لازمست از این طریق تحت پوشش اطلاع رسانی و مهتر آموزش رعایت استانداردهای سلامتی قرار بگیرند. مهتر خانواده های محتاج و بی بضاعت نیازهای خود را اطلاع دهند تا برای کمک به آنها اقدام مناسب صورت بگیرد.

۴- مبتکرانه وسایل حفاظتی اولیه مردم را تهیه کنید: یک وظیفه مهم این واحدها تامین ماسک، دستکش، مواد ضد عفونی و دیگر وسایل ضروری حفاظتی برای خانواده ها، به ویژه خانواده های محروم است. برای تهیه این امکانات، ابتکارات مختلف را باید بکار گرفت. از جمله مراجعه به موسسات دولتی و غیر دولتی ذیربط، به فروشگاهها و صاحبان دارنده و تولید کننده این امکانات، یا با اقدام به جمع آوری کمک مالی در محله و خریدن آنها و روشهای دیگر لازمست اقدام کرد. واحدهای همیاری میتوانند، این وسایل و امکانات را به جلو درب هر خانواده منتقل کنند و بدون ارتباط مستقیم به آنها اطلاع دهند، تا از آن استفاده کنند.

۵- معیشت خانوادگی بی بضاعت را تامین کنید! واحدهای همیاری لازمست، لیست خانواده های فقیری که به لحاظ معیشتی همیشه تحت فشار بوده و به ویژه در این دوره با خطر گرسنگی روبرویند، تهیه کنند و معیشت آنها را با اتکا به کمک و تعاون خود مردم محله تامین کنند. به آن بخش از مردم محله که دستشان به دهنشان میرسد و امکاناتی دارند و بگویم این تعداد خانواده محتاج و گرسنه را داریم، تردیدی نیست، آنقدر انسانیت دارند، که با مواد خوراکی تا پول کمک کنند و

در سطح محلات و شهرهای ایران، نهادهای همیاری و مردمی با نامهای مختلف وسیعاً شکل گرفته است. هدف انسانی آنها مقابله کردن با خطرات ویروس کرونا و کمک رسانی به مردم است. طبیعی است که در دوران سخت انسانها به همدیگر احتیاج دارند. قابل پیش بینی بود، زنان و مردان انساندوست و دختران و پسران جوان و فداکار بیکار نخواهند نشست و علیرغم پیچیدگی و سختی کار در فاجعه کرونا مبتکرانه اقدامات انسانی و کمک رسانی را در سطح محله و شهر سازمان خواهند داد. در دوره ای که مخاطرات جدی ویروس کرونا بشریت را در سراسر دنیا تهدید میکند. در شرایطی که حکومتهای سرمایه به دلیل محاسبات سودپرستانه و اساساً سودورزی ذاتی نظم کاپیتالیستی، ناکارایی و ناتوانی خود را برای مقابله موثر با پیامدهای این ویروس و تبعات مخرب آن بر زندگی مردم، به نمایش گذاشته اند. در شرایطی که جمهوری اسلامی نه تنها ناتوان و ناکارا، و اشاعه دهنده ویروس کووید ۱۹، بلکه مسبب بزرگترین مرگ و میر و صدمه دیدگی در حال وقوع شهروندان در کل کشور است، در این شرایط قدر ذره ذره فعالیتهای نهادهای همیاری و کمک رسانی به مردم را باید دانست و به دست اندرکاران و فعالین آن باید درود فرستاد.

اما در جریان این فعالیتها یک مساله نگران کننده، سلامتی و ادامه کاری بخشی از این نهادها و کمیته ها و انجمنهای همیاری انسانی را به طور جدی تهدید میکند. آن هم رعایت نکردن استانداردهای ابتدایی حفظ سلامت فردی و جمعی فعالین این نهادها و طبعا از این طریق سرایت دادن خطر واگیری ویروس کرونا به جامعه و انسانهایی است که قصد کمک به آنها را دارند. این دیگر تناقض در خود است. برای رفع این تناقض دلسوزانه به این نهادها و فعالین آن باید یادآور شد، انجام وظایف انسانی مهم و فوری یاری رسانی به مردم، اکیدا لازمست با رعایت استانداردهای اولیه حفظ سلامت خود و نهاد های کمک رسان توأم گردد. هر نهاد همیاری و کمک رسانی لازمست به طور جدی رهنمودهای ارائه شده توسط سازمان پزشکی جهانی و موسسات پزشکی معتبر و پزشکان مسئول و دلسوز در ایران را رعایت کنند. اینجا بار دیگر برچند محور اساسی استانداردهای حفظ سلامتی و توأم اقدامات فوری کمک رسانی تاکید میکنیم.

۱- بیش از ۳ نفر تجمع نکنید! برای ایجاد نهاد همیاری و شروع کار احتیاجی به جلسه و تجمع متعدد و آسیب پذیر نیست. بیش از سه نفر نباید جمع کرد. بلکه با اتکا به شبکه مدیای اجتماعی موجود، تلفن و اینستاگرام و تلگرام و غیره میشود، همفکری و تبادل نظر و تصمیم گیری مشترک کرد. واحدهای همیاری حداکثر سه نفره از فعالین و جوانان داوطلب و دارای جسم سالم را تحت عنوان مناسب (کمیته، واحد، تیم و ...) لازمست سازمان داد.

۲- وسایل و امکانات ضروری حفظ سلامت نهاد خود را تامین کنید!

سخنی با نهادهای همیاری مردمی ...

نگذارند کسی از گرسنگی بمیرد. برای تامین معیشت آنها به صاحبان ثروت و سرمایه در شهر میشود مراجعه کرد و آنها را در موقعیتی قرار داد به این خانواده های بی بضاعت کمک کنند. باید تلاش کنیم در محله و شهر ما کسی از گرسنگی و بی امکاناتی از بین نرود.

۶- با امکانات و شیوه استاندارد ضد عفونی کردن و سمپاشی محله را تضمین کنیم! اگر محلات شهر سمپاشی و ضد عفونی نشده، این واحدها با ارتباط با دستگاههای دولتی مربوطه و یا موسسات غیر دولتی خیرخواه و متخصص در اینکار برای ضد عفونی کردن عمومی کل محله با تکیه ابزار و آلات استاندارد اینکار لازمست اقدام کنند.

۷- مداوماً به مردم بگوییم، جمع نکنید و در خانه ها بمانید! نهادهای همیاری با بازوبند "واحد همیاری محله ... " که جای اتکا و اعتماد مردمند، در سطح محله لازمست کشیک داشته باشند و در گروه حداکثر دو نفره بچرخند. با راهنمایی و توصیه های خود مانع تجمع و گردهمایی بیش از سه نفر بشوند و مداوماً مردم را تشویق کنند در خانه هایشان بمانند. بنا به ضرورت، تردد به محله و امورات دیگر را زیر نظر داشته باشند. از ورود و خروج نامطمئن و غیر بهداشتی به محله جلوگیری کنند.

۸- به طور ویژه به سالمندان باید کمک رساند! واحدهای همیاری به طور جدی لازمست به فکر کمک رسانی به بخشهای آسیب پذیرتر مثل سالمندان مرد و زن، به انسانهای مبتلا به بیماریهای دیگر و معتادان و کودکان کار و بخشای بی سرپرست بود و با اتکا به کمک مردم به یاریشان رفت!

۹- صندوق کمک مالی را در محله میشود سازمان داد! تشکیل صندوق

کمک مالی در محله از جمله اقدامات قابل فکر و اجرایی کردن است. اما موضوعی حساس و زیر نظر کسان و یا واحدهای تماماً مطمئن و مورد اعتماد مردم لازمست تشکیل شود. خیلی ها در محله دستشان به دهانشان میرسد و میتوانند به چنین صندوقی کمک کنند. در این مورد میشود به افراد صاحب امکان مالی و سرمایه دار در محله و شهر مراجعه کرد و آنها را قانع کرد و در موقعیتی قرار داد که به چنین صندوقی کمک کنند. امکانات مالی جمع شده را برای مقابله با اثرات نگران کننده و پیروس کرونا و دیگر نیازمندیها در محله هزینه کرد.

۱۰- از پرستاران و پزشکان و کارکنان بیمارستانها و مراکز خدماتی اورژانسی باید عمیقاً قدردانی کرد!

نهادهای همیاری لازمست به شیوه مناسب جایگاه زحمات و فداکاری بی نظیر پرستاران و پزشکان و کارکنان بیمارستانها، بخشهای خدماتی اورژانسی را که در این شرایط سخت کار میکنند، به جامعه یادآوری و با ابتکارات مختلف از زحماتشان قدردانی کنند.

اینها استانداردها و اقداماتی است که در دستور کار نهادهای همیاری محله و شهر میتواند قرار بگیرد. تردیدی نیست، فعالین و جوانان دست اندرکار با توانایی و دقت بالا میتوانند دستور کار روشن و دقیقتری را پیگیری کنند. در جریان فعالیت، تجارب غنی را کسب کنند. مهم اینست از محله ای شروع کنیم و الگوی موفق بدست دهیم. چنین تجربه انسانی بسرعت در دیگر محلات تکثیر میشود. واحدهای همیاری محلات مختلف بدون ارتباط گیری فیزیکی باهم، طبعاً با اتکا به تلفن و شبکه های ارتباطی موجود لازمست و میتوانند در ارتباط باهم قرار بگیرند و شبکه به هم متصل واحدهای همیاری شهری را رسمیت دهند. میتوان تصور کرد حرکت همیاری انسانی بزرگ در سطح هر شهر شکل بگیرد و تجاربش به دیگر شهرها منتقل شود.

همیاری انسانی را گسترش دهیم!

زنان و مردان آزادیخواه، جوانان انقلابی، انساندوستان! دست همدیگر را بگیریم. به شیوه های ایمن ابتکارات مختلف را بکار گیریم. کودکان کار، بی مسکنان، حاشیه نشینان، محرومان، سالخوردگان، بیماران، معتادین و کسانی که قربانیان این نظامند، بیش از بقیه نیازمند دست یاری هستند. از نیاز به وسایل بهداشتی و غذا و لباس تا جائی برای آرمیدن. همیاری انسانی را گسترش دهیم. اینروزها تعیین کننده اند. همه میخواهند زندگی کنند. من، تو، ما، میخواهیم زنده بمانیم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

دو داستان، دو انسان در یک شهر

سرمایه داری یعنی همین!

آذر ماجدی

به این دو داستان در انگلستان توجه کنید!

یک زن ۳۶ ساله، مادر سه کودک بشدت بیمار می شود، تب بالا، سرفه های شدید، تنگی نفس و استفراغ. همسرش که کارگر شهرداری است به اورژانس زنگ می زند، آمبولانس می رسد، او را معاینه می کنند و می گویند که او در اولویت نیست و خانه را ترک می کنند. این زن روز بعد می میرد.

چارلز ۷۱ ساله، پسر ملکه انگلستان دچار علائم شبه کرونایی می شود؛ بفوریت کادر پزشکی او را تست می کنند و معلوم می شود که یک کرونای خفیف گرفته است. بلافاصله برای استراحت به قصرش در طبیعت می رود با همراهی پرسنل درمانی.

این دو اتفاق بفاصله یک روز در رسانه ها منتشر شده است.

یک تفاوت زمین و آسمانی میان دو انسان در یک کشور، در یک شهر، تحت دموکراسی غربی. یکی متعلق به طبقه کارگر، بخش محروم و غیرممتاز جامعه؛ دیگری از خانواده سلطنتی و طبقه حاکم. رسماً اعلام کرده اند که افراد بالای ۶۵ ساله دارای اولویت نیستند و در صورت وخامت حال، به حال خود رها می شوند تا جان ببازند. بخاطر کمبود تست حتی پرسنل درمانی که هر روزه با هجوم ویروس روبرو هستند امکان تست شدن ندارند؛ اما چارلز ۷۱ ساله که زندگی، سلامت و رفاه احدی به او وابسته نیست با احساس ناراحتی تست می شود و با سلام و صلوات و تجهیزات به قصر دیگری منتقل می شود تا در آرامش و رفاه استراحت کند! مگر این آدم کار دیگری هم می کند؟

هر چه فکر کردم نتوانستم سر در بیاورم که چرا یک زن ۳۶ ساله با آن حال و روز وخیم، مادر سه بچه اولویت ندارد. قصد شکایت بیش از اندازه ندارم؛ ولی هر چه فکر کردم تنها نکته ای که بفکرم رسید موقعیت طبقاتی اوست و احتمالاً رنگ سیاه پوستش نیز مزیت بر علت شده است. احساس تهوع به انسان دست می دهد.

اینست سرمایه داری! بله، سرمایه داری می کشد. کرونا یک فاجعه، یک تراژدی است. اما یک حُسن داشت: سرمایه داری را لخت و عریان، بدون هیچ پوشش تَلطیف کننده یا بزک دوزک تخفیف دهنده در مقابل چشمان بشریت قرار داد. شعار "جان ما از سود با ارزش تر است" که در ایتالیا پژواک یافته، همچنین جوک های تلخ و سیاهی که دنیای مجازی را اشباع کرده است ماهیت واقعی سرمایه داری را به نمایش می گذارد.* دو طبقه در مقابل هم صف آرایی کرده اند: سرمایه داران و طبقه کارگر؛ ثروتمندان و محرومین. این واقعیت عیان دنیای امروز تحت کرونا است.

همه می دانیم که در ایران یک مشت دزد سر گردنه و قاتل زنجیره ای روانی در قدرت اند. اما آنهایی که به دموکراسی پارلمانی متوهم بودند، شوکه شده اند. حقیقت عریان را در مقابل چشمانشان قرار داده اند. سیاست دولت های غربی طی این دوره دروغ و پنهان کاری و شارلاتانیسم بوده است. برای مدتها وخامت اوضاع و شیوع کرونا را



در کشور متبوع شان پنهان کردند؛ وخامت اوضاع را تعدیل کردند؛ کمبودها را پنهان کردند؛ فاکت ها را پوشانند. امکانات ابتدایی مانند ماسک و ونتیلیتور (دستگاه کمک تنفسی) بسیار کمیاب اند. ماکرون رئیس جمهور فرانسه خودش در فاصله کاخ و ماشین ماسک می زند اما دولت به مردم می گوید ماسک لازم نیست؛ کمکی نمی کند. هر اقدام تخفیف دهنده را تحت فشار جامعه و اعتراض اتخاذ کرده اند.

بروس جانسون ابتدا اعلام کرد که پیرو سیاست "مصونیت گله ای" است؛ یعنی ضعفا می میرند و جامعه مصون می شود! داروینیسیم اجتماعی. تحت فشار جامعه دولت مجبور شد تدابیری ناکافی و با تاخیر اتخاذ کند. دولت فرانسه فقط آمار کسانی که از کرونا در بیمارستان می میرند را اعلام می کند؛ در حالیکه بسیاری در خانه ها یا خانه سالمندان جان داده اند. هنوز کارخانه ها و شرکت های تولیدی را تعطیل نکرده اند نه در فرانسه، نه در انگلستان، نه در سوئد و حتی در ایتالیا با این همه مرگ و میر کارگران مجبور به اعتصاب شده اند. نزد دولت سوئد سرمایه داران از جان کارگران بمراتب ارزشمند تر است. در بسیاری کشورها از جمله آمریکا و سوئد اولین کمک اقتصادی که اعلام شد کمک به بانک ها و شرکت های متضرر شده است. به کارگر روز مزد، بی قرارداد، قرار داد موقت، یا هزاران نفر باصطلاح دارای شغل آزاد، مانند راننده های اوبر، رانندگان تاکسی، دوچرخه سوارهایی که محموله رسانی می کنند و راننده های وانت های حمل و نقل، مشاغلی که طی دو دهه اخیر بعنوان شغل آزاد طبقه بندی شده اند، هنوز هیچ کمکی تعلق نمی گیرد. در آمریکا بحث رایج اینست: ترس از مرگ از کرونا یا از گرسنگی! افسانه نقش دولت حمایت از منافع و مصالح شهروندان است دود شده و به هوا رفته است؛ ماهیت دولت بعنوان حامی منافع طبقه سرمایه داری و تضمین کننده صیانت سرمایه کاملاً آشکار و برملا شده است.

اکنون بحث سوسیالیسم در بسیاری رسانه ها طرح می شود. مقبولیت سوسیالیسم نزد بخش وسیعی از مردم و خواست پایان دادن به این شرایط ضد انسانی و ناعادلانه در فضا در گشت و گذار است. این آگاهی مثبت است؛ اما باید بر روی آن ساخت. اینکه می توان سرمایه داری را سر عقل آورد و به آن انسانیت تزریق کرد یک توهم بیش نیست. منطق سرمایه سود و سود و رقابت بر سر سود بیشتر است. سرمایه داری سر عقل آمده یک افسانه است. باید سرمایه داری را به زیر کشید. باید برای به زیر کشیدن آن آماده شد. این یک فرصت طلایی برای سازمانیابی سوسیالیستی است. اگر این فرصت را از دست بدهیم باید یک دوره دیگر از استثمار و فقر شدیدتر و زندگی ضد انسانی تری را تحمل کنیم. سرمایه داری عواقب بحرانش را بر سر کارگر و انسان زحمتکش و محروم خراب می کند. و اکنون سرمایه داری وارد یک بحران بسیار شدید، وخیم تر از سال ۲۰۰۸ شده است. سرمایه های باد آورده بر باد رفته است. صدها هزار میلیونر آمریکایی سرمایه شان به صفر رسیده است. اگر به زیرشان نکشیم انتقام این شرایط را از ما خواهند گرفت.

* یک طنز تلخ و سیاه از یک سازمان چپ فرانسوی: "در فرانسه اگر می خواهید تست کرونا بگیرید، در دهان یک ثروتمند سرفه کنید و منتظر تست کرونای او بمانید!"



پاندمیک ویروس کرونا و دوراهی نظم نوین جهانی!

قسمت اول

جمال کمانگر

دیگری و منع کردن مسافرت اروپائیان به آمریکا توسط ترامپ و مهمتر از همه بستن مرزها در کشورهای اروپایی، هرچند بعد از پایان بحران کنونی برداشته خواهند شد، اما به نظر میرسد به قبل از شروع بحران کرونا بازخواهد گشت. آنگلا مرکل در سخنرانی اش هنگام اعلام "وضعیت فوق العاده" در آلمان حتی یکبار هم به اتحادیه اروپا به عنوان بزرگترین و موثرترین اتحاد داوطلبانه کشورهای عضو اشاره نکرده است. این بگ اتفاق سهوی نیست!

ترامپ رئیس جمهور آمریکا در حالی که ایتالیا به وضعیت انفجاری رسیده بود، بجای اعلام همبستگی و فرستادن کمکهای پزشکی، نه تنها آن کشور، بلکه تمام اتحادیه اروپا و از جمله بریتانیا و ایرلند را هم برای یک ماه از رفت و آمد دریایی و هوایی به ایالات متحده ممنوع کرد. کاخ سفید بجای همیاری با دولتهای اروپایی، با توییت های ترامپ شروع به سرزنش کردن متحدین خود کرد که گویا در کنترل اشاعه ویروس کوتاهی کرده اند! یک سردرگمی بر بلوک موسوم به غرب سابق حاکم شده است. دولتهای دست راستی بعد از بیش از ۱۲ سال تحمیل ریاضت اقتصادی و سرشکن کردن بحران مالی ۲۰۰۸ برسر طبقه کارگر، اینبار چند تریلیون دلار برای نجات شرکتها و موسسات مالی به بازار تزریق کرده اند. از ترامپ و ماکرون و بوریس جانسون تا پوتین و موودی در هند و دیگران "اتاق جنگ" علیه "دشمن نامرئی" تشکیل داده اند. هر روز پشت پودپوم ظاهر میشوند و آمار مبتلایان و کشته ها را همراه با قوانین جدید برای کنترل بیشتر مردم اعلام میکنند. مردم کشورهای خود را به حبس خانگی با کمترین امکانات تشویق میکنند!

دوراهی نظم نوین جهانی

به موازات گسترش ویروس کرونا، جهانی شدن در مقابل "دولتهای ملی" و افول آمریکا در مقابل عروج چین قرار گرفته است. ویروس کرونا و نحوه مقابله با آن، آنچه "دولت-ملت" گفته میشد را بیشتر از گذشته مجز کرده است. توپ را به میدان آنها انداخته است. در دوره بحران های حاد به دلیل اینکه دولتها و حاکمیت های کشوری، دسترسی اقتصادی و سازمان حاضر و قدرت بیشتری در مقایسه با سازمانهای بین المللی دارند، توان اینرا دارند که مردم را وادار کنند که پشت آنها بایستند. شیوع جهانی ویروس کرونا نشان داد که زنجیره تولید، توزیع و انتقال کالاها چقدر شکننده است. این بحران نشان داد برخلاف هارت و پورت های کشورهای صنعتی، و البته صدور سرمایه، تمام نیازمندیهای بخش بهداشت و درمان وارداتی است و با شرایط اسفبار طبقه کارگر در کشورهای دیگر تولید میشود! ویروس کرونا رفاه نسبی در غرب را با چالش جدی روبرو کرده است. این وضعیت ترندی که سالها قبل از اینکه، کسی اسمی از "کووید ۱۹" شنیده باشد همواره بر

در این دوران سخت و وحشت انگیز که بیش از دو و نیم میلیارد نفر از مردم جهان از ترس مرگ و بیماری در حبس خانگی هستند و هنوز کورسویی در انتهای تونل وحشتی که در مقابل بشریت سر باز کرده است، مشاهده نمیشود. شاید پرداختن به مسائل سیاسی و سمت و سوی جهان پسا ویروس کرونا زیاد مورد توجه قرار نگیرد! بدرست مسئله اصلی مردم علی العموم حفظ سلامت و عبور از این بحران کشنده است.

اما برای ما که مسائل سیاسی و اجتماعی دنیای پیرامون را تعقیب میکنیم سئوالات بیشماری در این دوران قرنطینه و بیکاری دور سرمان میگردد! جهان ما به کدام سو میرود؟ برنده و بازنده پاندمیک کووید ۱۹ در سطح دولتها چه کسانی هستند؟ آیا جهان در مقابل دوراهی نظم نوین قرار گرفته است؟ نقش مذهب و خرافات در آینده چگونه خواهد بود؟ آیا نظام سلامت عمومی از حیطة بازار خارج خواهد شد؟ آیا اوضاع اقتصادی جهان به قبل از عروج ویروس کرونا باز خواهد گشت؟ سرمایه داران با مازاد نیروی کار بعد از بحران چگونه رفتار خواهند کرد؟ آیا ویروس کرونا بشر را بسوی سوسیالیسم یا ناسیونالیسم افراطی سوق خواهد داد؟ و احتمالا لیست این سئوالات بیش از این خواهد بود. من تلاش میکنم در حد توان به این سئوالات بپردازم. اما جواب من یک به یک نخواهد بود.

معمولا نقطه عطف هایی در تاریخ وجود دارد که سیمای جهان را برای سالها تغییر میدهند. انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکتر، دخالت نظامی "بریتانیای کبیر" در بحران کانال سوئز در سال ۱۹۵۶، پروستریکا و گلاسوست گورباچف، هر کدام باعث عروج و افول و فروپاشی این یا آن چهارچوب فکری و سیاسی و امپراطوری شده است. آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم بر اساس قدرت بلامنازع اقتصادی، سیاسی و نظامی اش در مقابل بلوک شرق نقش رهبری کننده سرمایه داری را در جهان بازی میکرد. با پیروزی ترامپ در سال ۲۰۱۶ پروسه به محاق رفتن این نقش توسط ایالات متحده در حال تکمیل شدن بود. پاندمیک کرونا بیش از هر بحرانی سردرگمی آمریکا در نقش رهبری کننده ائتلاف سنتی ای که ۷۰ سال پشت سیاستهای ویرانگر آن کشور قرار گرفته اند، را برملا کرده است. در کشاکش مرگ و زندگی، ترندهای مختلف سیاسی در مقابل هم قرار گرفته اند. سردرگمی کنونی آمریکا ریشه در سیاست های انزواطلبانه ترامپ مبنی بر پروتکشنیسم اقتصادی، ناسیونالیسم افراطی و ضدیت با خارجیان دارد. این تفکر تماما در مقابل گلوبالیزاسیون و "دنیای بدون مرز" بعد از فروپاشی دیوار برلین قرار گرفته است که افتخار "بلوک پیروز" در جنگ سرد بود! بستن مرزهای کشوری یکی پس از

پاندمیک ویروس کرونا و دوراهی نظم

نوبت جهانی ...

پروتکشنیسم، محلی گرایی و تولید داخلی و کنترل شدید مرزها برای جلوگیری از مهاجرت تاکید داشته اند، را قدرتمندتر کرده است. امروزه بستن مرزها برای جلوگیری از گسترش بیماری برای مردم قابل قبول شده است! با خانه نشین شدن پارلمانها و همسویی اپوزیسیون با قوانین اضطراری در این کشورها، دولتهای "نجات ملی" بدون کنترل و حسابرسی ممکن است تا انحلال همکاریهای بین المللی و بستن درهای تجارت جهانی پیش بروند.

البته آمریکا قبل از بحران کرونا از دادگاه بین المللی جنایت جنگی و شورای حقوق بشر سازمان ملل و معاهده پاریس در مورد کنترل گازهای گلخانه ای خارج شده بود! ترامپ علناً بر بی خاصیتی سازمانهای بین المللی تاکید داشته است. این وضعیت میتواند اتحادیه اروپا را متلاشی و رابطه بین چین و آمریکا را بیشتر از این تیره و تار کند.

اما در پس هر بحرانی برندگان و بازنده گانش مشخص خواهند شد. قدر مسلم تمام کسانی که در جریان این بحران جان عزیزشان را از دست داده اند و خانواده های داغ دیده آنها، بازنده اصلی بوده و خواهند بود. ممکن است صدها میلیون نفر شغلشان را از دست بدهند و اقتصاد جهانی با رکود بی سابقه مواجه شود. نشانه های این رکود از همین حالا قابل مشاهده است. اما در سطح ماکروتر روابط بین دولتها هم دست خوش تغییراتی خواهد شد. تمام کشورها بدون استثنا با مشکلات جدی روبرو خواهند شد.

آمریکا در کوتاه مدت بیشتر سیاست انزواطلبانه را در پیش خواهد گرفت. به یمن دست بالا پیدا کردن محلی گرایی در مقابل گلوبالیزاسیون، اتحاد نامقدسی بین جریانات راست و جنبش محیط زیست در حال شکلگیری است. جریانات راست برای مقابله با موج جدید آوارگی بدلیل جنگ و فروپاشی دولتها و بالا آمدن آب سطح دریاها و خشکسالی، با سخت تر کردن قوانین مهاجرت دیوار بلندی بدور کشورهای خود می سازند. جنبش محیط زیست هم بر محلی گرایی و جلوگیری از تردد هوایی برای کاهش گازهای گلخانه ای در نقطه مقابل جهانی شدن اقتصاد و ارتباط آزادانه انسان ها قرار گرفته است.

موقعیت منحصر بفرد چین

چین با جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر سیستمی بنیاد نهاده است که نظم و نسق رابطه کار و سرمایه و تبعیت مردم از دولت به بخشی از هویت ناسیونالیستی آحاد مردم آن کشور تبدیل شده است. چین هر چند در اوایل با پنهان کاری و حتی بازداشت دکتر "لی وینلانگ" کاشف ویروس کرونا و تشکیل پرونده توسط پلیس به جرم "تشویش اذهان عمومی" برای وی، قصد پنهان کاری داشت. اما دولت پکن بسرعت متوجه شد اگر میخواید به عنوان رهبر در دنیا

شناخته شود باید در صدد جبران اشتباه خود برآید. بسرعت از دکتر "لی" و خانواده اش عذرخواهی کردند. چند هفته بعد تر دکتر "لی" بر اثر ابتلا به کرونا فوت کرد.

دولت آمریکا تمایلی به دخالت و بسیج کشورهای همپیمانانش برای مقابله با اپیدمی کرونا نداشت. تا جایی که ترامپ آنرا با یک سرماخوردگی ساده مقایسه کرد و گفت: "ظرف ۴-۵ روز تمام میشود." با گسترش اپیدمی کرونا در ماه ژانویه و فوریه، زمزمه مقایسه آن با حادثه انفجار نیروگاه هسته ای "چرنوبیل" در اکرین به گوش میرسید. اما دولت چین مقررات سختگیرانه ای را برای رفت و آمد مردم در شهر "ووهان" و سایر شهرهای استان "هوبی" اعلام کرد. ظرف یک هفته نزدیک ۱۰۰ میلیون نفر را قرنطینه اجباری کردند تا جلوی گسترش ویروس را بگیرند. تعطیلی شهر ۱۰ میلیون نفری "ووهان" از صفحه تلویزیونهای تمام دنیا به نمایش گذاشته شد. ظرف ده روز دو بیمارستان مجهز با ظرفیت ۲۳۰۰ تخت "آی سی یو" در مقابل دوربینهای جهان بطور زنده ساخته شد. شهرها و مراکز تجاری در سراسر چین به حالت نیمه تعطیل درآمدند. تصاویری که به بیرون مخابره میشد، کادر درمانی را با لباسهای مخصوص سفید و ماسکهای حفاظتی که بیشتر در فیلمهای تخیلی "آخر الزمانی" هالیوود دیده میشد، نشان میداد و مهمان خانه های تمام مردم جهان شد! کم کم ابعاد وحشتناک بیماری "کووید ۱۹" به بیرون مخابره میشد. ابتدا خبرنگاران رسانه های غربی از زاویه اینکه دولت چین با قرنطینه اجباری "حقوق بشر" مردم را زیر پا گذاشته است در صدد کم کردن اعتبار تمهیدات دولت چین برای کنترل این بیماری کوشیده بودند! همزمان با مقررات سختگیرانه دولت چین، ویروس به اقصی نقاط جهان گسترش یافت. مدل چینی مقابله با اپیدمی جواب داد! رئیس جمهور چین اواسط ماه مارس در شهر "ووهان" کانون اصلی شیوع گسترده بیماری حضور یافت و اعلام پیروزی کرد. کم کم مقررات منع رفت و آمد شل تر شد اما هنوز از ترس موج دوم گسترش "کووید ۱۹" تا هفته اول آپریل این محدودیتها کمکان وجود دارد. دولت چین این پیروزی موقت را با کمک رسانه های اجتماعی به تمام دنیا مخابره کرده است. مقامات دولتی چین این موفقیت را مدیون سرعت، قدرت و بازدهی نظام سیاسی و سلامت آن کشور معرفی میکنند. در همان حال از ناتوانی آمریکا از تهیه "کیت های تست" به اندازه کافی به نسبت جمعیت آن کشور انتقاد میکنند. رسانه های چینی برتری تلاش این کشور در کنترل بیماری را با عدم مسئولیت پذیری و بیکیفایتی اداره ترامپ مقایسه میکنند. اما ترامپ هم در این مدت ساکت ننشسته است و ابتدا پاندمیک کنونی را "ویروس خارجی" و یک هفته بعدتر آنرا "ویروس چینی" اعلام کرد و هنوز هم با توجه به گسترش نفرت و راسیسم علیه آسیایی تباران در اروپا و آمریکا از این نامگذاری نامسئولانه عقب نشینی نکرده است. تراشیدن ملیت و محل تولد برای باکتریها و ویروسها توسط ترامپ یک حرکت فاشیستی و با اعتراض وسیع مردم در آمریکا و سراسر دنیا مواجه شده است. در زمانی که به همبستگی بین المللی برای مقابله با این بیماری کوشنده نیاز هست این اظهار نظر بی اعتباری بیشتری برای دولت آمریکا بوجود آورده است.

چین موتور محرکه اقتصاد جهانی است و بستر تولید اکثر کالاهای موجود در جهان است. رهبری سرمایه داری چین به خوبی بر این امر واقف است و خواهان سهم بیشتری از نظم جهانی هستند. کرونا این فرصت را در اختیار آنها قرار داده است که قدرت این کشور در تولید و توزیع انبوه کالاهای مورد نیاز برای مقابله با ویروس کرونا

پاندمیک ویروس کرونا و دو راهی نظم نوین

جهانی ...

را به جهانیان یاد آور شوند. زمانی که هیچ کشوری در جهان و حتی اروپایی های هم پیمان به کمک فوری ایتالیا نشتافتند، این چین و کوبا و روسیه بودند که پاسخ مثبت دادند. چین به تنهایی با ارسال دو میلیون ماسک، هزار دستگاه مخصوص "ای سی یو" و صد هزار ماسک پیشرفته و بیست هزار لباس مخصوص و پنجاه هزار "کیت های تست" را بلاعوض همراه با یک تیم پزشکی ارسال کرد. این گونه کمکها برای اکثر کشورهای نیازمند فرستاده شده است. جدا از کمک دولتی چین، ثروتمندترین مرد چین به اسم "جاک ما" که موسس شرکت "علی بابا" سایتی شبیه آمازون، قول داده است تعداد بیشمار ماسک و "کیت تست" برای آمریکا ارسال کند. به هرکدام از ۵۴ کشور آفریقایی ۲۰۰۰۰ "کیت تست" و ۱۰۰۰۰۰ ماسک ارسال میکند!

آمریکا در دوران بحران "ابولا" در سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ در آفریقا یک ائتلاف از کشورهای مختلف برای مقابله با آن بیماری کشنده تشکیل داد اما با سرکار آمدن ترامپ بخش مقابله با پاندمیک در کاخ سفید تعطیل شده است! آمریکا اگر هم بخواهد بطور واقعی توانایی رقابت با چین را نخواهد داشت. یک درصد از ماسک و ده درصد از دستگاه تنفس مصنوعی در داخل تولید و بقیه از چین به آن کشور وارد میشود. شاید تعجب کنید که ۹۵ درصد آنتی بیوتیک مورد نیاز آمریکا از چین وارد میشود. قدرت سیاسی و اقتصادی چین بسرعت در حال عبور از ایالات متحده آمریکاست! به نظر میرسد که نظم نوین جهانی بر محوریت چین بعد از بحران کرونا در حال عروج خواهد بود.

ادامه دارد....

۲۶ مارس ۲۰۲۰

حق سلامتی

- حق سلامتی. حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه.
- طب و خدمات بهداشتی و پزشکی رایگان، مناسب، و در دسترس برای همه.
- معاینه منظم و واکسیناسیون کامل کودکان. تضمین برخورداری همه کودکان از یک رژیم غذایی کافی و مناسب مستقل از سطح در آمد خانواده، منطقه و محل اقامت و غیره.
- ریشه کن کردن بیماری های اپیدمیک و عفونی ناشی از عدم سلامت محیط زیست، معاینه منظم همه شهروندان در برابر بیماری های قلبی، سرطان های رایج و بیماری هایی که تشخیص به موقع آنها در درمان و تخفیف عوارض آنها حیاتی است.
- گسترش و بهبود جدی سطح بهداشت عمومی، اطلاعات پزشکی و بهداشتی عامه.
- گسترش و سازماندهی امکانات پزشکی و درمانی به نحوی که دسترسی فوری به طبیب و دارو و درمان برای کلیه ساکنین کشور آسان باشد.

از "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

تأمین حق سلامتی و وظیفه دولت است!

بهداشت جسمی و روانی، طب رایگان و برخورداری از تست مرتب پزشکی یک امتیاز طبقات دارا نیست، جزو حقوق پایه شهروندان است. دسترسی به اطلاعات معتبر و علمی در باره سلامت حق شهروندان است. دادن اطلاعات مرتب به جامعه توسط کادر پزشکی یک تعهد شغلی و یک وظیفه انسانی و علمی است. هر نوع امنیتی کردن این مسئله توسط دولت یعنی ممانعت از حق دانستن و اطلاع از خطر جانی، یعنی ارتکاب عامدانه دولتی برای تهدید سلامت شهروندان. کور کردن ارائه اطلاعات علمی و مال اندوزی از طریق احتکار نیازهای اولیه بهداشتی مردم یک عمل جنایتکارانه است. دولت در قبال سلامت و بهداشت مردم مسئول است. وظیفه فوری دولت است که در وضعیت ویژه و بحرانی کنونی، بیدرنگ هرگونه خدمات پزشکی و داروئی را تماماً رایگان کند. سلامت و جان مردم نباید تجاری شود، جان قابل معامله نیست!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

زندانیان را فراموش نکنیم!

سعید یگانه

جان هزاران زندانی در زندانهای جمهوری اسلامی در خطر است. در شرایطی که شیوع ویروس کرونا در ایران انسانها را درو میکند و خوشبینی نسبت به کنترل آن لااقل در کوتاه مدت در چشم انداز نیست، تعداد زیادی زندانی هنوز در زندانهای جمهوری اسلامی با کمترین امکانات بهداشتی و پزشکی بسر می برند و جانشان در خطر است. تاکنون تعداد زیادی از زندانیان در زندانهای مختلف جمهوری اسلامی به ویروس کرونا مبتلا شده و رو به افزایش است و جان تعداد بیشتری از زندانیان را تهدید میکند. طی روزهای اخیر سه زندانی در زندانهای قرچک و رامین و ارومیه به دلیل عدم رسیدگی و مداوای آنان جان خود را از دست داده اند. با توجه به شیوع این بیماری در زندانها احتمال مرگ تعداد بیشتری از مبتلایان به ویروس بسیار بالاست. اخبار از شورش تا کنون در سه زندان خرم اباد، همدان و تبریز منتشر شده است زندانیان بخاطر وحشت از ابتلا و مرگ در زندان شورش کردند و با سرکوب خونین روبرو شدند. جمهوری جنایتکار اسلامی در این اوضاع به روی زندانی شلیک میکند.

با وجود صدور دو بخشنامه از طرف قوه قضائیه جمهوری اسلامی مبنی بر آزادی زندانیان، هنوز هزاران زندانی در حبس بسر می برند. قوه قضائیه اعلام کرد که زندانیان سیاسی و به گفته رژیم "امنیتی" که کمتر از ۵ سال حکم دارند بطور موقت از زندان آزاد خواهند شد. چند در صد از این زندانیان هنوز آزاد شده اند و چه مقرراتی سختگیرانه ای به دست و پای خانواده آنان برای آزادی آنان بسته اند خود جای سوال است و با توجه به تجارب تاکنونی در مورد رفتار جمهوری اسلامی بخصوص با زندانیان سیاسی و خانواده آنان باید با شک و تردید به آن نگاه کرد. بر فرض اینکه این ادعا درست و عملی شود، سرنوشت سایر زندانیان سیاسی که بیشتر از ۵ سال حکم دارند و محکوم به ماندن در زندانها هستند چگونه خواهد شد؟ علاوه بر این هزاران نفر از دستگیر شدگان اعتراضات آبانماه ۹۸ که در زندانهای مختلف حبس و هنوز خبری از سرنوشت بسیاری از آنان در دست نیست در هاله ای از ابهام قرار دارد.

بنا به اوضاعی که هم اکنون در نتیجه شیوع ویروس کرونا در ایران حاکم است ابتلای هر زندانی به ویروس کرونا با توجه به شرایط بهداشتی زندانها و ازدحام بیش از حد زندانی، زندگی جمعی در بندهای زندان، سرنوشتی جز مرگ در انتظار آنان نیست. ابتلای هر زندانی به ویروس کرونا با توجه به شرایط زیست آنان می تواند جان چندین زندانی دیگر را به خطر بیندازد. خانواده هزاران زندانی سیاسی که در شرایط کنونی ناچارند کش و قوس زندانها و دادگاهها و کارشکنیهای ادارات مربوطه دولتی را برای آزادی عزیزانشان از زندان طی کنند و جان خود را نیز به خطر بیندازند بیشتر تحت فشار روحی ناشی از این شرایط قرار دارند.

ضروری است که از هر ابزاری برای فشار آوردن بر جمهوری اسلامی

برای آزادی همه زندانیان و کلیه زندانیان سیاسی با هر درجه حکمی به عمل آید. تبهکاری و حماقت دینی سران جمهوری اسلامی عامل شیوع بیماری کرونا در ایران و جان هزاران انسان از جمله زندانیان را به خطر انداخته است. ابتدایی ترین نرم انسانی حکم میکند که مانند زندانیان در زندان در این شرایط به مانند حکم قتل آنان است و بیدرتنگ و بدون هیچ

محدودیتی از جمله وثیقه های سنگین باید از زندان آزاد شوند. نه تنها در ایران، در کشورهایی که هم اکنون نیز با شیوع این بیماری روبرو هستند تعداد زیادی از زندانیان بغیر از زندانیان جنایی و خطرناک از زندان آزاد شده اند. کلیه زندانیان سیاسی و همه زندانیان بدون قید و شرط و بدون هیچ محدودیتی باید از زندان آزاد شوند. احکام متفاوت در مورد زندانیان نباید مانع آزادی آنان باشد. جان همه زندانیان به یکسان در خطر است و حق آزادی و حیات برای همه زندانیان به یکسان باید در نظر گرفته شود.

آزادی بیان و مخالفت سیاسی جرم نیست و حق ابتدایی هر انسانی است. همه زندانیان سیاسی نه تنها باید از زندان آزاد شوند، همچنین نباید دوباره به زندان احضار و بازگردانده شوند. آزادی کلیه زندانیان سیاسی و لغو احکام زندان برای کلیه مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی یک خواست برحق و ابتدایی و باید بر آن پافشاری کرد. جمهوری اسلامی به دلیل موقعیت شکننده و تنگناهایی که در آن قرار دارد هر نوع مخالفتی را با زندان و شکنجه و حکمهای سنگین جواب می دهد و در شرایطی که بیرون رفتن از منزل خطر جانی به همراه دارد هنوز فعالین سیاسی و اجتماعی را به دادگاهها احضار و حکم زندان صادر میکنند. کسی که قرار است محاکمه و بر صندلی اتهام نشاند شود جمهوری اسلامی و همه سران آن است که به حکم چهار دهه جنایت باید محاکمه و به مجازات برسند، نه انسانهایی که به این جنایات معترضند.

کلیه زندانیان سیاسی بدون

تعلل و فوراً آزاد باید گردند!

آخوندها و تجار دین را از

محیط زندگی تان بیرون کنید!



الکل، مذهب، سرمایه

نادر شریفی

ادیان و مذاهب، علت اساسی جنگ ها و مخالفت با اندیشه های فلسفی و تحقیقات علمی هستند. کتاب هایی که به نام مقدس آسمانی معروف اند، کتب خالی از ارزش و اعتباراند و آثار کسانی از قدا مانند افلاطون و ارسطو و سقراط خدمت مهم تر و مفیدتری به بشر کرده اند. زکریای رازی

زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۴ ه. قمری) را جهانیان و بخصوص ایرانیان بعنوان پزشک و کاشف الکل میشناسند. دقیقاً همین، در دوره شیوع بیماری کرونا، نام وی را بار دیگر در خاطره ها زنده کرده است. اما زکریای رازی فیلسوف بزرگ "دین ستیز" عصر خود نیز بود. با ذکر اسم زکریای رازی در اذهان دو چیز و در همسوئی با یکدیگر زنده می شود. طبیب و کاشف الکل و فیلسوف ضد مذهب! بنابراین و بار دیگر دو جنبش اجتماعی روبروی یکدیگر قرار می گیرند. یک جنبش متعلق به همان باورمندان به قدرتهای ماورای طبیعه است که بخاطر دین ستیزی و خردگرایی و رجعت زکریای رازی به علوم قابل سنجش و اثباتی (ماتریالیسم) او را مورد حمله قرار داده و امروز کتابهای او را در لیست کتابهای ممنوعه قرار میدهند و او را بخاطر رد "مبانی تدین" و "نبوت" کافر و بی دین می شناسند و جنبش دیگر از جمله کسانی اند که دقیقاً بخاطر "ضد مذهب" بودن او و رجعت اش به علم، وی را تحسین میکنند. جالب اینجاست که زکریای رازی در عصر خود و با کمترین امکاناتی توانسته بود، تصادفی بودن جهان هستی را کشف و بنابر این نظریه ارسطو (آغاز و پایان طبیعت) را رد کند. زکریای رازی را میتوان به بیانی یکی از ماتریالیست بزرگ عصر خود دانست که با تکیه بر منطق علمی به دفاع از علوم اثباتی برخاسته بود.

کرونا و جهان حافظ سرمایه

شیوع اپیدمی ویروس کووید ۱۹، بار دیگر زکریای رازی و بخصوص کشف الکل، وی و علم گرایی را در خط اول جدال دو جنبش اجتماعی در تقابل با یکدیگر قرار داده است. "الکل" هم عنصری شد حافظ و پاک کننده و هم تخریب کننده اعتقادات مذهبی. پادزهر خرافات و افسانه های ماورای طبیعی. گویی که برای "الکل" وظیفه دیگر و مهمتری نیز امروز پیدا شده است. حفاظت کننده دستاوردهای علوم طبیعی در مقابل "خداباوری" و واکسن دانش بشری در مقابل ویروس مذهب و حاکمیت سرمایه.

به بیانی بازگشت به طبیعت و خردگرایی در مقابل از خود بیگانگی انسانی در تسلیم در "منفعت طلبی فردی". پیوند دوباره انسان با "طبیعت" حقیقی در تبادل وحدت طبیعی انسان با طبیعت پیرامونی و در نتیجه مخالفت با "کار مزدی" و حاکمیت "سرمایه" که با حمایت بی دریغ دستگاه تحمیق مذهب، انسان را با محیط طبیعی خود بیگانه کرده است. بازنگری و در نتیجه بازگشت انسان به جایگاه طبیعی اش، که در پروسه انباشت در رابطه با کار مزدی و سرمایه دچار اختلالات

عمیقی شده بود.

امروز الکل بعنوان نماینده کشفیات نایاب بشری، هم پایه های بنیادین صنعت مذهب را به ریزش کشانده است و هم پارادکس حاکمیت سرمایه بر جوامع بشری را بنمایش گذاشته است. بی ربط نیست که امروز همه حافظان منفعت طلبی در حمایت از حکم اول سرمایه، علم پزشکی را تنها بعنوان "کالا" تعریف میکنند.

کالائی که باید قابل خرید و فروش باشد. کالائی در کنار بقیه تولیدات سرمایه داری، بدون گذشته و آینده، ابزاری برای عرضه به بازار آزاد برای آن "کسانی" است که توان خرید این کالا را دارا باشند! بنابراین پزشکی و دست آوردهای علمی بایستی همانند هرکالای دیگری سودآوری داشته باشند. بنابراین یک تخت بیمارستان آنقدر مهم است که فرد بیمار، یا خریدار، "هزینه های" آنرا عهده دار شود! در نتیجه تخت بیمارستانی که در آن "خریداری" نخواهید باشد و بوسیله آن سرمایه ای تولید نمی شود، باید بلافاصله منهدم و از چرخ تولید جهانی سرمایه خارج شود. در نتیجه بیمارستانها همانند خانه های سالمندان، درمانگاههای پزشکی و غیره همگی به خدمت سرمایه خصوصی در می آیند. این حکم حاکمیت سرمایه در جوامع بشری تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹ بود. از آن زمان اما تا به امروز بشریت با شیوع اپیدمی ویروس کرونا، در خود مبهوت شده است، انسانها در مقابل درهای بسته بیمارستانها جان خود را بصورت دستجمعی از دست میدهند. کادر پزشکی چه در ایتالیا، اسپانیا، آلمان، نروژ، . . . و ایران با کمترین امکاناتی بایستی به جنگ غول ویرانگر ویروس کووید ۱۹ بروند. آمار وحشتناکند و از چهار ضلع جهان، کمبود، بی تدبیری و بی برنامهگی جلوی جوامع بشری بنمایش درآمده است.

تدبیر چیست؟ گرسنگی میتواند همچنان هر دقیقه جان هزار کودک را بگیرد، چرا که با وجود آن نه چرخ انباشت و سودآوری سرمایه بخطر می افتاد و نه اصولاً سرمایه برای آن اهمیتی قائل است. اما ویروس کرونا، ثروتمند و فقیر، آخوند و اسقف، شکنجه گر و جنایتکار حکومت فاشیستی اسلامی و زحمتکش نمی شناسد و با این اوصاف نه تنها چرخ های تولید سرمایه را از حرکت باز ایستانده است که تهدید کننده عصر حاضر انسانی نیز هست. بعنوان مثال دولت آلمان توانست از بانکهای جهانی برای یک بار ۱۵۶ میلیارد یورو قرض بگیرد، ولی اگر این اپیدمی در سه ماه آینده به عقب رانده نشود حتی دولت "معتبر" آلمان قادر نخواهد بود، هزینه سرسام آور سود سرمایه را عهده دار شود. هر چند که پس از غلبه محتمل بر ویروس کرونا، تمامی این هزینه هارا با اضافه سود آن، از حیب زحمتکشان جامعه بیرون کشیده خواهد شد.

نمایندگان مجلس آلمان پرده برمیدارند که روبرت کوخ انستیتوت در سال ۲۰۱۴ با به تصویر کشاندن اپیدمی همانند کرونا، دولت آلمان را به اقدامات موثرتری دعوت کرده بود ولی دولت آلمان همانند همه دول سرمایه چه زمانی حفظ جان انسانها را مقدم می شناخت که برای مقابله به این "احتمالات" تدابیری در دستور کار خود قرار دهد؟ مجموعه اقدامات امروز دول حافظ سرمایه هم تا آنجا پیش میرود که "اقتصاد" با کمترین هزینه ممکن از این بحران خارج شود. بیخود نیست که

الکل، مذهب، سرمایه ...

آقای ترامپ به قرنطینه کردن مردم در اروپا اعتراض میکند. او این اقدامات را در مجموع به ضرر جهان سرمایه داری قلمداد میکند و متذکر است اگر به این وسیله چند ده هزار نفر هم می مردند بهتر بود تا چرخ تولید سرمایه از کار بیفتد. اینکه دول حافظ سرمایه بهرحال با مخفی کردن حقایق و با تحریف آنان سعی بر غلبه بر بحران حاضر خواهند کرد، برای خواننده هوشمند، امری است روشن. اما وظیفه ما این است که نگذاریم این روزها در فرم و محتوای دیگری و در تاریخ دیگری تکرار شوند. نباید اجازه داد که حافظان سرمایه با تحمیل "وضعیت" موجود، انسانها را یکبار دیگر تا مرز انقراض بکشانند. چرا که ممکن است، بار دیگر برای بشریت خیلی دیر باشد.

ویروس کرونا و مذهب

اما اوضاع جهان امروز برای "حافظان" مذاهب حتی "خطرناک" تر شده است. حافظان مذاهب از واتیکان گرفته تا قم با شیوع ویروس کووید ۱۹ حداقل چندین برابر بیشتر به وحشت و دست و پا افتاده اند. ویروس کووید ۱۹ هم جان آنان را بخطر انداخته است و هم منافع اجتماعی آنان را. جان آنان را بخطر انداخته است، برای اینکه بین ملا، آخوند و آیت الله مفتخور و خاخام و اسقف و بقیه شیدان حافظ مذهب تفاوتی پیدا نمیشود. بعبارتی جان این انگل صفتان همانقدر در خطر است که جان دیگر انسانها. اما در مقابل بر باد رفتن منافع اجتماعی و اعتقادات دینی چه باید بکنند؟ شاید بشود پشت زحمتکشان در مقابل خطرات جانی ویروس کرونا سنگر گرفت. اما بر باد رفتن اعتقادات مذهبی و به این طریق با از دست رفتن "جایگاه طبقاتی" خود چه کنند؟ جمهوری اسلامی بعنوان حکومتی پایه گذاری شده بر خرافات مذهبی در کنار دیگر مذاهب بایستی نوعی در مقابل "واقعتهای" طبیعی امروز، ابزارهای کارتری برای تحمیل بشریت پیدا کند! بنابراین از پاپ رهبر واتیکان تا خامنه ای رهبر جمهوری خرافی اسلامی همگی

بار دیگر به افسانه های جن و پری، "آب مقدس" و "خشم خدا" و دست آخر به "روغن بنفشه" و هزاران خزعبلات دیگر آویزان شده اند. تبلیغات آلوده و دروغین صنعت مذهب این روزها ابدای اتفاقی نیستند. اینها قرار است از فرو پاشی کامل دیوار اعتقادات مذهبی جلوگیری کنند و یا حداقل از سرعت ریزش آن بکاهند. اتفاقی نیست که بار دیگر کبوترها در آسمان مکه، نقش "الله" را بنمایش می گذارند! (همانطور که عکس خمینی را چهل سال پیش در ماه پیدا کردند!) بایستی توی خیابان ایتالیا مراسم مذهبی براه انداخت و "آب شفا دهنده" با یک قاشق مشترک در گلولی آخرین نفرات لشکر شکست خورده مذهب ریخت تا شاید انسان کنجکاو از خود سؤال نکند: پس این خدا به چه دردی میخورد وقتی نمی تواند جلوی شیوع این بیماری را حتی در قلب جهان کلیسای کاتولیک بگیرد؟ این چه خدائی است که "امت مسلمان را به زیارت "معصومین" و آویزان شدن به "زیارتگاهها" و استفاده از "روغن بنفشه" فرا میخواند، هنگامی که خود آیت الله ها صدها بل هزاران کیلومتر آنطرفتر، در پشت عمارتهای چپاول شده از دسترنج مردم، از ترس ابتلا به یک بیماری "طبیعی" همگی مخفی شده اند و هر کدام از آنان دهها لیتر الکل برای حفظ جان خود در مقابل ویروس کرونا انباشت کرده اند! این چه بلا و خشم خدائی است که نه تنها تفاوتی بین آیت الله و "خادمین" مذهب و لامذهبیون قائل نیست، بلکه ضرورت تحقیقات و حضور کاشفین و محققین ضد مذهب را هم حیاتی تر کرده است؟

نتیجه: جهان پس از شیوع بیماری کرونا تنها نظاره گر توهم یگانگی جهان حافظ سرمایه با حمایت مذاهب نیست. جوامع بشری مجبورند راه حل دیگری پیدا کنند. چرا که حاکمیت توحش سرمایه خواهی نخواهی با خود انقراض و پایان تاریخ را با خود به همراه خواهد آورد اگر سکان کشتی جوامع انسانی کماکان در اختیار آنان بماند.

انتخاب روشن است: یا حکومت سود و بربریت پایان تاریخ، یا سوسیالیسم و سعادت بشری و رهائی جهان از شر سرمایه داری.

۲۶ مارس ۲۰۲۰ - ۷ فروردین ۱۳۹۹

فوراً و بدون تعلل زندانیان را آزاد کنید!

علیه قتل عمد دولتی و کشتاری دیگر!

زندان های رژیم مملو از زندانی اند. زندانها یکی از غیر بهداشتی ترین و خطرناک ترین اماکن شیوع کرونا است. زندانیان فوراً و بدون تعلل باید آزاد شوند. کلیه زندانیان باید تست شوند و مراتب آن با شفافیت اعلام شود. هر نوع تعلل در این زمینه، اقدام آگاهانه و عامدانه دولت به قتل عمد و کشتار جمعی است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸



در باره تجربه برنی سَندرز

"سوسیالیسم" از راه انتخابات ممکن نیست!

سیاوش دانشور

"سوسیالیسم" برنی سَندرز

برنی سَندرز در تبلیغات انتخاباتی و عمدتاً در اظهار نظرها از سوسیالیسم سخن گفته است. وی قبلاً خود را یک دمکرات سوسیالیست میخواند که فشار اجتماعی چپگرایی از پائین باعث شد که این اواخر خود را با افتخار "سوسیالیست" بنامد. عده ای هم از جمله رقبایش در احزاب جمهوریخواه و دمکرات وی را با همین عنوان کوبیده اند. گفته اند حرفهای او با افکار عمومی مردم آمریکا بیگانه است. سَندرز اما در بهترین حالت یک رفرمیست است که در نظامهای متوحشی مثل آمریکا که رقابت و فردیت و بازار آزاد حرف اول و آخر را میزند، "سوسیالیست" معرفی میشود. تاریخ سرمایه داری انواع سوسیالیسم بخود دیده است، از اتوپیهای سوسیالیستی و سوسیالیسمهای غیر کارگری تا کمونیسم و سوسیالیسم کارگری. حتی اگر برنی سَندرز خود را سوسیالیست بخواند، سوسیالیسم وی چیزی جز تعدیل زیاده رویهای سرمایه داری و تلاش برای ایجاد رفرمهایی برای کاستن شکافهای گسترده طبقاتی نیست. این نوع "سوسیالیسم" در بهترین حالت پلاتنوم یک رفرم رادیکال پارلمانتاریستی، بویژه بعد از بحران ۲۰۰۷-۲۰۰۸ و در متن بن بست و بی اعتباری احزاب سنتی راست و مرکز و مشخصاً سوسیال دمکراسی است که در کشورهای اروپا و آمریکای شمالی کم و بیش جایگاهی پیدا کرد. پلاتنوم ضد ریاضتی و رفرمیستی سبیراس در یونان و احزاب مشابه در اسپانیا و کشورهای دیگر، کوربین در انگلستان و سَندرز در آمریکا، با فرض تفاوتها در سابقه و سنت سیاسی، کمابیش خط مشابهی را دنبال میکردند. همه این جریانها مدعی بودند که از طریق پارلمان و انتخابات میخواهند این سیاستها را عملی کنند. انتخابات و پارلمانی که بقول رای دهندگان "انتخاب میان وبا و طاعون" تلقی میشود. اما همراه با این بی اعتباری و بی اعتمادی به احزاب سنتی بورژوازی، اجتماعات و تظاهراتهای گسترده ضد سرمایه داری و بارقه های جهنگبری سیاسی اعمال اراده مستقیم و قدرت آلترناتیو رُخ نشان میداد. در متن این تناقض مُهلک، چنین احزاب و پلاتنومهایی اولاً از پارلمان و انتخابات پارلمانی اعاده حیثیت کرد و ثانیاً جناحی رادیکال تر از احزاب مرکز بورژوازی را به جلو صحنه فرستاد تا همان پلاتنوم ریاضتی و چهارچوب سیاست بورژوازی را به کارگران تحمیل کند.

بدون تردید برای یک پراتیسن کمونیست، یک رهبر کارگری، یک فعال صفوف مبارزه سوسیالیستی، زمانی که آلترناتیو انقلابی و کمونیستی کارگری هنوز در صحنه حضور ندارد، بهتر است جناحهای کمتر هار سرمایه و ظاهراً مدافع درجه ای از حقوق کارگران و شهروندان سکان قدرت را بدست بگیرند تا جناحهای افراطی تر. اما هیچ کمونیست جدی این توهم را نباید داشته باشد که این جریانها میتوانند پرچمدار حقوق و منافع کارگران و محرومان باشند. سرنوشت سبیراس و کوربین و سَندرز و دیگران، چه آنها که دستشان به دولت و قدرت رسید و چه آنها که در پارلمان سخنرانیهای پر شور پیشا و پسا انتخاباتی کردند، دستجمعی به پایان خود رسیدند. این احزاب و پلاتنومها طبعاً دود نمیشوند و هوا نمیروند اما دیگر شانس شان را از دست دادند و نمیتوانند

تلاش دوم برنی سَندرز برای ورود به کاخ سفید با شکست مواجه شد. انتخابات درونی حزب دمکرات در سال ۲۰۱۶ هیلاری کلینتون را به برنی سَندرز ترجیح داد و اینبار جو بایدن. سَندرز هنوز تا ماه ژوئن فرجه دارد اما تاکنون تقریباً روشن است جو بایدن کاندیدای پیروز در انتخابات درونی حزب دمکرات است و فی الحال فاصله زیادی با برنی سَندرز دارد. مفسران سیاسی و اعضای شاخص تر حزب دمکرات استدلال میکنند که به کاندیدائی نیاز دارند که بتواند بر دونالد ترامپ پیروز شود. همین مفسران در دور قبل بعد از شکست هیلاری کلینتون گفتند شاید اگر برنی سَندرز کاندیدای حزب بود در مقابل دونالد ترامپ شانس بیشتری داشت. تا انتخابات آمریکا در سوم نوامبر ۲۰۲۰ هنوز فرصت زیادی هست و با اوضاع متحول جهان، بویژه با پیامدهای سیاسی و اقتصادی کرونا، خیلی فاکتورها میتواند زیر و رو شود. با اینحال، اگر روند اوضاع افت و خیز تعیین کننده ای نداشته باشد، احتمال قویتر اینست که دونالد ترامپ پیروز این مسابقه گلاادیاتورهای میلیاردی دمکراسی آمریکائی باشد.

تردیدی وجود ندارد که برنی سَندرز از جنس بزرگ سرمایه داران و اعضای سهامدار صنایع و شرکتهای بزرگ در احزاب جمهوریخواه و دمکرات و تی پارتی نیست. وی از خانواده های مشهور و بانفوذ با امکانات مالی گسترده نیست، چه بسا حتی در حزب دمکرات بعنوان یک سناتور مستقل و کاندیدای این حزب برای تعداد زیادی "غریبه" محسوب میشود و عقایدش را مهجور میخواندند. آنهم در کشوری که نفس واژه "سوسیالیسم" و "کمونیسم" در آن تابو بوده است و سابقه سیاسی خونینی در قلع و قمع و وارد لیست سیاه کردن کمونیستها و چپگرایان در دوره آغاز جنگ سرد و دهه پنجاه میلادی موسوم به "مک کارتیسم" در کارنامه خود دارد. مسئله جفت و جور کردن پایگاه طبقاتی سَندرز با آنچه که وی ادعا میکند نیست، هیچ مارکسیستی در تحلیل سیاست و افراد این نقطه رجوعش نیست. مسئله سیاست حزب و طبقه ای است که قرار بود برنی سَندرز بعنوان نماینده و رئیس جمهور آن وارد کاخ سفید شود و سکان رهبری دولت آمریکا یعنی یکی از بزرگترین قدرتهای سرمایه داری جهان را بعهده بگیرد. جو بایدن کاندیدای طبیعی حزب دمکرات بود و روشن است حزب دمکرات و لایه بانفوذ آن تمام تلاشش را انجام داد تا بایدن جلو بیافتد. نتیجه پر سر و صدای "سه شنبه فوق العاده" که در بیشتر ایالت ها بایدن پیشی گرفت، محصول اقدامات "دقیقه نود" از جمله کنار کشیدن دیگر کاندیداها و اعلام حمایتها از جو بایدن بود. حتی رای بالای ایالت عمدتاً کارگری میشیگان به جو بایدن را باید در ردیف همین حمایتها و تلاشهای حزب دمکرات گذاشت. حزب دمکرات توانست به بخش مهمی از رای دهندگانش بقبولاند که اگرچه برنی سَندرز حرفهایی در دفاع از کارگران و حقوقشان از جمله راجع به آموزش و بهداشت و علیه راسیسم و غیره میزند اما وی برای آمریکا "قابل قبول نیست" و مهمتر "نمیتواند بر ترامپ پیروز شود".

در باره تجربه برنی سندرز

"سوسیالیسم" از راه انتخابات ممکن نیست ...

دادند. ثانیاً و بطریق اولی تحقق سوسیالیسم بطور کلی و هر درجه سیاست سوسیالیستی بطور اخص، از مسیر و چهارچوب انتخابات و پارلمان بورژوازی به یک غیر ممکن بدل شده است. پارلمان یک رکن حاکمیت بورژوازی و یک نهاد اعمال اراده طبقه ای است که از لحاظ اقتصادی قدرت را در دست دارد. فراقسیونهای پارلمانی و کرسیهای "وکالت و نمایندگی" مردم، تنها بیان دیگری از توازن قوای بین احزاب این طبقه در نهاد پارلمان برای تصویب قوانینی هستند که سلطه و اراده طبقه حاکم را قانونیت می بخشد. پارلمان شاید زمانی دور میتوانست موقتاً و بصورت تاکتیکی آنهم در یک تناسب قوای مشخص و کنکرت، بعنوان تریبونی در بالا یا هدف بسیج در پائین و به بحران کشیدن قدرت بورژوازی مورد استفاده قرار گیرد، اما در دنیائی با مشخصات سیاسی و اقتصادی امروز، امید کمونیست ها و طبقه کارگر به امام زاده پارلمان تنها میتواند توهمی خطرناک باشد. خام اندیشی و توهمی که حاصل آن بخت کردن موقتی طبقه کارگر و بخشهایی از جامعه پشت سر جناحهایی از بورژوازی و به تاخیر انداختن سیاست انقلابی کارگری خلعید از کل طبقه بورژوازی و در هم کوبیدن ماشین دولتی آنست.

بررسی تجربه سیپراس و کوربین و سندرز و امید واهی به مال خود کردن ابزار بورژوازی بر ضد بورژوازی و بفتح کارگران، حتی اگر چنین اهداف و نیاتی هم خالصانه وجود داشته اند، یک توهم و یک ناکجآباد است. طبقه کارگر برای تامین منافع پایه ای خود و کل جامعه بیش از هر زمان ناچار است از روی ماشین سیاسی و اداری و بورکراسی و تمامیت قدرت بورژوازی رد شود، آنرا در هم بکوبد و نظم نوین سوسیالیستی خویش را مستقر کند. پارلمان راه تحقق سوسیالیسم و اهداف محدود سوسیالیستی نیست، بیراهه ای برای اسارت جنبش واقعی و موجود سوسیالیستی کارگران است.

۲۶ مارس ۲۰۲۰

بمثابه اهرمی برای کانالیزه کردن تمایلات رادیکال و ضد سیستم به داخل پارلمان و مرزهای قانونی بورژوازی عمل کنند. مستقل از سابقه و عقاید این یا آن فرد و رهبر سیاسی، تا به نمایندگی فرمال درجه ای از اعتراضات کارگران و محرومان در این احزاب مربوط است، این فشار چپگرایی و اعتراضات ضد کاپیتالیستی در جامعه است که برای کنترل و کانالیزه کردن آن، سخنگویان و فراقسیونهایی در میان احزاب طبقه حاکم و سیستم پارلمانی پیدا میکند. اینکه چنین جریانی در این بُرهه مشخص تاریخی امکان حضور می یابند و مورد استقبال قرار میگیرند، نه بدلیل انطباق آنها با واقعیت اجتماعی بلکه بدلیل عدم حضور قدرتمند و قابل اعتنای احزاب سیاسی کمونیستی و کارگری است که نماینده و پرچمدار اعتراض ضد کاپیتالیستی و نقد سوسیالیستی کل وضع موجود باشند.

بحث اما برسر ماهیت "سوسیالیسم" سندرز و حتی برسر ارزیابی فردی و مواضع امثال سندرز در این مورد معین نیست، این ثانوی تر است. بلکه درسهای ایندوره برای طبقه کارگر انقلابی و سیاست و تاکتیک کمونیستی مهمتر است. این روند در کشورهای مختلف در دوره گذشته یکبار دیگر اثبات کرد که اولاً بورژوازی امروز قدرت رفرم ندارد، تکرار "نیودیل" دیگری ممکن نیست، بازگشت به دولتهای رفاه و اقتصاد کینزی در دستور بورژوازی نیست، تحمیل اصلاحات عمیق و پایدار به بورژوازی از دریچه پارلمان و انتخابات ممکن نیست و مدعیان چپگرایی مانند الکسیس سیپراس و سیریزا نیز نهایتاً همان کاری را میکنند که احزاب دیگر سنتی بورژوازی انجام

علیه مذهب و خرافات!

قم این مرکز فساد، این تجارتخانه دین، این "دروازه بهشت"، مرکز انتشار ویروس و "جهنم" روی زمین شد. شیوع کرونا برای هزارمین بار نشان داد که خرافات مذهبی، امامان و بیوت دایناسورهای اسلامی، همه حجره های تجارت و تخدیر و جنایت هستند. آیت الله ها و آخوندها به بیمارستانهای مجلل و محیطهای خوش آب و هوا میروند اما مردم را به زیارت و خواندن دعا دعوت میکنند! ویروس کرونا در کنار وحشتی که آفرید درعین حال مذهب را در زمین خودش شکست داد. معلوم شد این همه بارگاه مذهبی و افسانه سرائی پیرامون آن پشیزی ارزش ندارد و فقط دستگاه شیادی و کلاهبرداری است. به مساجد، زیارتگاه ها و نماز جمعه نروید! به سخنان جنایتکاران صنعت دین واقعی نگذارید! علیه خرافات مذهبی و توصیه های غیر علمی و غیر کارشناسانه بایستید! آخوندها و تجار دین را از محیط زندگی تان بیرون کنید! دستگاه دین و خرافات اسلامی بیشتر از کرونا برای سلامت و بهداشت جسمی و روانی شهروندان خطرناک است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

امروز یک همبستگی انسانی قدرتمند حیاتی است!

من، تو، ما مسئولیم!

کرونا تأثیرات چند جانبه داشته است. نگرانی و خشم تا استیصال و پانیک. مسئولیت اجتماعی و عبور دادن جامعه از بحران کنونی، حرف اول و آخر هر جنبش آزادیخواهانه در این شرایط است. مسئولیت امروز همه ما ایجاد یک همبستگی قدرتمند انسانی، گرفتن دست همدیگر، درک درد مشترک، اعمال فشار به دولت برای انجام اقدامات فوری و ضروری، گم نکردن قطبنمای حرکت و شناخت دشمن واقعی است. حمله به بیمار و قربانی ویروس، حمله به درمانگاه و بیمارستان اگرچه نشان استیصال است اما ارتجاعی و ضد انسانی است. مانند احتکار وسائل بهداشتی و سکوت دولت در ارائه اطلاعات کثیف و جنایتکارانه است. اقداماتی از این دست تنها به تخریب تمایلات انسانی، به تقویت محلی‌گرایی و ناسیونالیسم و فاشیسم، به نیروهای فوق ارتجاعی میدان میدهد. حمله به بیمار و بیمارستان و کادر پزشکی و اشاعه محلی‌گرایی، فقط به جمهوری اسلامی و بنیان این وضعیت خدمت میکند، به ارتجاع و فاشیسم نیرو میدهد و تا قتل عامهای دستجمعی یکقدم فاصله دارد. هوشیار باشیم، امروز جامعه در این شرایط ویژه، نیازمند یک همبستگی انسانی قدرتمند است. من، تو، ما مسئولیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

کمونیست شماره ۱۵ بزبان انگلیسی منتشر شد!

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده‌ای
را همه جا برپا کنید! در کارخانه‌ها و

محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا

ارگان حاکمیت!

COMMUNIST
www.hekmatist.org

PERIODICAL, NEW EDITION March 2020 NO 15



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-Communist Party of Iran - HeKmatist



Azar Majedi

The human cost of Corona Virus in capitalism

Corona Virus and Capitalism, "Herd Immunity" or social Darwinism

Susan Lari interviews Azar Majedi
Member of leadership of WCP-HeKmatist Party
22 March 2020

Q: The extend of the spread of Corona Virus and the number of dead as a result, are very frightening and extremely alarming. It is a very sad situation. As everybody knows, Corona Virus cases have passed 300,000 around the world, and more than 13000 deaths have occurred. There may be more. It is reported that in Italy, there were 800 deaths on just one day (Saturday), and many infected and died in Iran. People are justifiably worried. Do you think the measures implemented in the world, specially in Iran, are working?

AM: As you said it is very worrying and sad both in terms of lives and the misery people are going through. The insecurity of their lives, and if they are not dying of the virus, they might die of hunger. In Iran, the authorities are hiding all the numbers, even WHO (World Health Organisation) has reported that the numbers infected and dead are 5 times more than what the

In this issue:

Novruz, Iranian New Year
Under the bleak shadow of Corona Virus and Islamic Republic!7

Corona Virus and racism against Afghan residents in Iran8

Corona Virus Epidemic
Worker-Communist Party of Iran - HeKmatist declares!9

One day strike by Miners in Iran10

State in Revolutionary Periods11

نباید گذاشت کسی گرسنه بماند!

تأمین معیشت و حقوق پایه مردم وظیفه مستقیم دولت است. در دوره بحرانی کنونی این وظیفه بی‌اما و اگر است. باید رژیم را موظف به تأمین معیشت مردم کرد. نهادهای همیاری، که اینروزها نماد نועدوستی و همبستگی انسانی اند، نباید بگذارند کسی بدون غذا و نیازهای اولیه بماند. در هر کوی و برزن بداد همسایه و سالمندان و محرومان برسیم. نیازهای غذائی و بهداشتی را به طرق مختلف تأمین و توزیع کنیم. مبتکرانه راه‌های کمک‌رسانی را پیدا کنیم و به همدیگر اطلاع دهیم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

کار را متوقف می‌کنیم!

آینده از آن ماست، دستجمعی خودکشی نمی‌کنیم!

کار را تعطیل کنیم. خانه بمانیم و سر کار نرویم. ما کارگران و کارکنان اسیر فقر و فلاکت ایم، اما دستجمعی خودکشی نمی‌کنیم. وضعیت ویژه نیازمند اقدامات ویژه است. در اوضاع کنونی، سازمان کار جامعه باید حداقلی، اورژانسی و پاسخ به نیازهای ضروری باشد. ما کارگران مراکز تولیدی و کارکنان مراکز اداری و خدماتی، بدون تست مرتب و بدون برخورداری از نیازهای پزشکی حاضر نیستیم در محلهای کار حضور پیدا کنیم. دولت و کارفرمایان متعهد و موظف به تأمین نیازهای ضروری، پرداخت حقوق‌ها، تأمین سلامت و بهداشت محیطهای کار هستند. کار را متوقف می‌کنیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی کمونیست

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک‌های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک‌های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!